

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل			
پیااده‌سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مأخذ	ویرایش دوم
تکمیل مأخذ و ویرایش نهایی			

همه چیز در درون توست (۱۷۰-۱۶۹)

🌸 هر گم کرده‌ای که داری، احتیاطاً در خانه‌ی دل خودت بگرد، خواهی دید که همان جاست. هر کس دیگری هم که گم کرده‌ای داشت و از تو سراغ آن را گرفت، باز به خانه‌ی دلت نگاه کن، آن را هم همان‌جا پیدا خواهی کرد. این همه در بیرون به دنبال گم‌شده‌هایت گشتی و چیزی پیدا نکردی، حالا کمی وقت صرف کن و خانه‌ی دلت را بگرد، شاید آنجا پیدا شد.

نکته‌ی بسیار مهمی است. تمام گم‌شده‌های ما در درون خودمان است. گفت:

سال‌ها دل طلب جام جم از ما می‌کرد آنچه خود داشت ز بیگانه تمنّا می‌کرد

همه‌ی گم‌شده‌های ما در درون و وجود خودمان است؛ بیرون بی‌خودی وقتمان را تلف نکنیم. سرمان را بی‌خودی در این سوراخ و آن سوراخ نکنیم؛ چیزی پیدا نمی‌شود. اگر بخواهد پیدا شود باید درون خودمان پیدا شود؛ همه‌ی گم‌شده‌هایمان، دوست داریم خدا را ملاقات کنیم، دوست داریم اولیاء خدا و حجت خدا را ببینیم، راه ورودی‌اش، درون خودمان است. همه‌ی آیات خدا همان‌طور که در بیرون مظاهری دارند، در درون هم مظاهری دارند. فرمود: «سُرْبِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ»<sup>۱</sup> ما آیات خودمان را به‌زودی هم در آفاق یعنی جهان خارج و هم در انفسشان، در درونشان نشان می‌دهیم. **و**

<sup>۱</sup> سوره‌ی فصلت، آیه‌ی ۵۳.

**فِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ؛ وَ فِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُنصِرُونَ»<sup>۲</sup>** در زمین آیاتی برای اهل یقین هست «**وَ فِي أَنْفُسِكُمْ**» در درون خودت هم هست؛ نگاهی به درون خودت نمی‌اندازی، ببینی! آیت خدا، آیت اعظم خدا، حجت خدا است؛ دلتان نمی‌خواهد حضرت بقیةالله را ببینید؟ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «**مَا لِلَّهِ آيَةٌ أَكْبَرُ مِنِّي**»<sup>۳</sup> خدای متعال هیچ آیه‌ای بزرگتر از من ندارد. اگر «**فِي أَنْفُسِكُمْ**» اگر «**سُئِرِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ**»، پس می‌شود در درون خود امیرالمؤمنین علیه السلام را دید؛ می‌شود در درون خود حجت خدا را دید؛ همه‌ی گمشده‌هایی که دارید در درون خودت بگرد. کمی سر به جیب فرو ببر، در درون خودت جستجو کن، شاید پیدا شد. لذا فرمود: هر گمشده‌ای داری، خانه‌ی دلت را بگرد، پیدا می‌شود. برای دیگران هم گفت: اگر سراغ گمشده‌ای را گرفتند باز هم خانه‌ی دلت را بگرد، پیدا می‌شود. خدا رحمت کند حاج آقا دولابی را که می‌فرمود: آن بزرگ به من می‌گفت: محمد اسماعیل، هر وقت مرغ ما گم می‌شود، (مرغ‌های خانگی معمولاً قوی‌اند؛ سر دیوار می‌پزند و به خانه‌های دیگر می‌روند) خانه‌ی همسایه‌ها را می‌گردیم و می‌گوییم: خانه‌ی شما نیامده است؟ می‌گویند: نه، برمی‌گردیم به حیاط خانه‌ی خودمان می‌بینیم ای داد بی‌داد، در حیاط خانه‌ی خودمان است. ایشان به زبان تمثیل به حاج آقا دولابی گفته‌اند: هرچه گم کردی فکر می‌کنی در خانه‌ی دیگران است و جاهای دیگر سراغ می‌گیری؛ ولی در خانه‌ی خودت است. گفت:

ای مخزن اسرار الهی که تویی      وی آینه‌ی جمال شاهی که تویی  
 بیرون ز تو نیست آنچه خود می‌طلبی      از خود بطلب هر آنچه خواهی که تویی

همه چیز در درون خودمان است و ان‌شاءالله در درون خودمان جستجو کنیم، پیدا می‌شود.

<sup>۲</sup>. سوره‌ی ذاریات، آیه‌های ۲۰ و ۲۱.

<sup>۳</sup> کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۰۷.

✿ خداوند فرمود: «وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ؛ وَ فِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ»<sup>۴</sup> و برای اهل یقین در زمین و در نفس‌های خودتان نشانه‌هایی وجود دارد، پس آیا نمی‌بینید؟ و فرمود: «سُئِرِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّ اللَّهَ الْحَقُّ»<sup>۵</sup> به زودی نشانه‌های خودمان را در آفاق عالم و در درون خودشان به آنها نشان می‌دهیم تا برای آنان روشن شود که همانا او حق است. پس برای دیدار و وصال خدا به درون خودت نظری بینداز. (۴:۴۷)

این سخن قرآن و کلام خداست. حجابی آمده است؛ والا جلوه‌ی جمال الهی در آینه‌ی دل، دیده می‌شود. آینه را غبار گرفته است. گفت:

دل که آینه‌ی شاهی است، غباری دارد از خدا می‌طلبم صحبت روشن‌رایی  
جمال یار حجاب و پرده ندارد غبار ره بنشان تا نظر توانی کرد

اگر غبار را پاک کند، زنگاری که بر روی آینه نشسته را پاک کند، همه‌ی گمشده‌هایش را می‌بیند. کمی باید به درون مشغول شد.

✿ خداوند فرمود: «فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ»<sup>۶</sup> در انتظار باشید، همانا من با شما از منتظران هستم. «إِنِّي مَعَكُمْ» یعنی من در کنار شما هستم، منتها چون شما در اطراف و دوردست‌ها دنبال من می‌گردید، مرا نمی‌بینید. «وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ» و در نفس‌های خودتان آیا نمی‌بینید؟ (۶:۲۰)

گفتم به کام وصلت خواهم رسید روز گفتا که نیک بنگر شاید رسیده باشی

<sup>۴</sup> سوره‌ی ذاریات، آیه‌های ۲۰ و ۲۱.

<sup>۵</sup> سوره‌ی فصلت، آیه‌ی ۵۳.

<sup>۶</sup> سوره‌ی یونس، آیه‌ی ۲۰ و سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۷۱.

در درون خودت است. حضور علّت در معلول، از حضور خود معلول در معلول قوی تر و شدیدتر است. بنابراین حضور خدا در ما از حضور خود ما در ما شدیدتر است. اگر توجّه و روی دلّمان را به سمت خدا برگردانیم «إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا»<sup>۷</sup> خدا را در وجود خودمان می بینیم؛ لذا در بحث انتظار حضرت مهدی ارواحنفا، انسان اگر منتظر است، فرمود: «إِنِّي مَعَكُمْ» من با خودت هستم. «مَعَكُمْ» در کنار معنی ندارد؛ نزدیک تر از در کنار است. «مَع» شماس است. به اصطلاح حکما، معیت قیومیه است. «أَيْنَمَا كُنْتُمْ» هر جا که هستید «هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَمَا كُنْتُمْ»<sup>۸</sup> او با شماست، هر جا شما باشید. هستی شما، هستی علی حده ای از او نیست. شما نمودی، جلوه ای از هستی او هستی. اگر کمی نگاه کنید، آن را درون خودتان پیدا می کنید. حجّت خدا، خلیفه الله و مقام مشیت است؛ حدیث داریم که «خَلَقَ اللَّهُ الْأَشْيَاءَ بِالْمَشِيَّةِ، وَ خَلَقَ الْمَشِيَّةَ بِنَفْسِهَا»<sup>۹</sup> خدا همه ی اشیاء را به وسیله و وساطت مشیت آفرید و مشیت را «بِنَفْسِهَا» خلق کرد؛ مستقیماً آفرید. پس مشیت واسطه ی خلقت همه ی عالم است. داریم «نَحْنُ مَشِيَّةٌ» اهل بیت عليهم السلام فرمودند ما مشیت هستیم؛ مقام مشیت ماییم. امام زمان ارواحنفا فرمودند: «قُلُوبُنَا أَوْعِيَةٌ لِمَشِيَّةِ اللَّهِ»<sup>۱۰</sup> قلب های ما ظرف های مشیت خداست. خدا بطور مطلق قیوم ماست، حجّت خدا، ولی اعظم خدا به شکل مضاف، قیوم ماست؛ پس حضور و ظهور او درون ما از حضور و ظهور خودمان شدیدتر است. فقط باید برگردیم و پیدا کنیم. لذا فرمود: «إِنِّي مَعَكُمْ» من در وجود خودت هستم. با خودت هستم؛ منتهی ما در بیرون و دور می گردیم و نمی بینیم. فیض به زیبایی می گوید:

<sup>۷</sup>. سوره ی انعام، آیه ی ۷۹.

<sup>۸</sup>. سوره ی حدید، آیه ی ۴.

<sup>۹</sup>. سلیمانی آشتیانی و درایتی، مجموعه ی رسائل در شرح احادیثی از کافی، ج ۱، ص ۲۰۷.

<sup>۱۰</sup>. مجلسی، بحار، ج ۲۵، ص ۳۳۷.

گفتم به کام وصلت خواهیم رسید روز      گفتا که نیک بنگر شاید رسیده باشی

کمی نگاه کن، کسی را که پشت کوه‌ها، تپه‌ها و این طرف و آن طرف دنبالش می‌گردی، شاید به وصالش رسیده باشی. شاید او نزدیک تو باشد. فرمود: «**إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ**»<sup>۱۱</sup> در درون خودمان است.

❁ در زیارت جامعه کبیره، خطاب به اهل بیت علیهم‌السلام آمده است که: بدن‌های شما درون بدن‌هاست. نفس‌های شما درون نفس‌هاست. روح‌های شما درون روح‌هاست و ... آیا از این واضح‌تر بگویند که اهل بیت علیهم‌السلام در درون شما می‌باشند؟ پس برای دیدار و وصال آنان سر به گریبان فرو ببرید و در درون خودتان به دنبال ایشان بگردید. (۱۰:۱۱)

در زیارت جامعه‌ی کبیره داریم: «**أَجْسَادُكُمْ فِي الْأَجْسَادِ**» جسد آنها در جسد ماست. بدن آنها درون بدن ماست. «**وَ أَرْوَاحُكُمْ فِي الْأَرْوَاحِ**» روح آنها درون روح ماست. ما ظرف و آنها مظروفند. «**وَ أَنْفُسُكُمْ فِي النُّفُوسِ**» نفس‌های شما در درون نفس‌هاست. «**وَ أَثَارُكُمْ فِي الْأَثَارِ**» آثار شما، درون آثار است. «**وَ قُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ**» قبرهای شما، درون قبرهاست. بدن ما درون قبر ظاهری است. قبر خاکی، قبر بدن ماست و بدن ما قبر آنهاست. آنها در درون ما هستند. در این زیارت خیلی از حقایق بلند ولایتی را که تا عصر امام هادی علیه‌السلام افشا نشده بود امام هادی علیه‌السلام افشا کرد. خدا می‌داند در زیارت جامعه‌ی کبیره چه اسراری موج می‌زند. حالا که آنها در درون خودمان هستند، کمی بگردیم، پیدا می‌کنیم. دل‌مان نمی‌خواهد آنها را ببینیم؟ دل‌مان نمی‌خواهد ملاقات و وصال آنها روزی‌مان شود؟ راهش این است.

❁ گفته می‌شود آغاز غیبت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه با رفتن حضرت به درون سرداب خانه‌ی پدرشان بود؛ لذا شیعه که به زیارت می‌رود، سر به درون سرداب می‌برد. اگر سر به

<sup>۱۱</sup>. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۸۶.

جیب و گریبان فرو ببریم و در سرداب درونمان بگردیم، شاید حضرت علیه السلام را پیدا کنیم.

(۱۲:۰۱)

وقتی مأموران ریختند و حضرت در سرداب بودند؛ غیبت صغری شروع شد. خدا لعنت کند وهابی‌ها و تکفیریون را که سرداب را ویران کردند. شیعه که به زیارت می‌رود، سر به درون سرداب می‌کند. غیبت در سرداب، شروع شد. اگر سر به جیب و گریبان فرو ببریم و در سرداب درونمان بگردیم؛ شاید حضرت را پیدا کنیم. سردابی که حضرت در آن پیدا می‌شود، اینجاست.

✿ نفس و بدن انسان، مغرب و بیرون از وجود انسان، مشرق است. در داستان حضرت ابراهیم ستاره و ماه و خورشید وقتی به نفس ابراهیم علیه السلام رسیدند، غروب کردند. حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه از مغرب ظهور می‌کند، یعنی از درون خودت. (۱۲:۵۱)

قرآن راجع به ماجرای ملاقات حضرت ابراهیم علیه السلام با آن سه گروه می‌فرماید: «كَذَلِكَ نُرِي اِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَ الْاَرْضِ وَ لِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ»<sup>۱۲</sup> اینگونه ما به ابراهیم ملکوت آسمان‌ها و زمین را نشان دادیم؛ و به این خاطر که از اهل یقین شود. «فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْاَافِلِينَ»<sup>۱۳</sup> وقتی تاریکی شب او را پوشاند، ستاره‌ای را دید و گفت: «هَذَا رَبِّي» این پروردگار من است «فَلَمَّا أَفَلَ» وقتی افول کرد، غروب کرد «قَالَ لَا أُحِبُّ الْاَافِلِينَ» گفت: نه، من چیزهایی را که افول می‌کنند، غروب می‌کنند دوست نمی‌دارم. «فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِنْ لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ»<sup>۱۴</sup> وقتی ماه را دید که طلوع می‌کند و می‌درخشد؛ گفت: ربّ و پروردگار من است. وقتی افول کرد، گفت: اگر ربّ من، مرا هدایت نکند، از گروه گمراهان خواهم بود. «فَلَمَّا رَأَى

۱۲. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۷۵.

۱۳. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۷۶.

۱۴. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۷۷.

الشَّمْسَ بَارِعَةً قَالَ هَذَا رَبِّيَ هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَّتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ؛ إِنِّي وَجْهْتُ وَجْهِيَ لِلذِّى فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ»<sup>۱۵</sup> وقتی خورشید را دید که می‌درخشد، گفت: این ربّ من است. این بزرگتر از آنهاست. هم از ماه و هم از ستاره‌ها بزرگتر است؛ اما به محض اینکه خورشید غروب کرد، گفت: ای قوم من از هر چیزی که او را شریک خدا قرار داده‌اید، بیزاری می‌جویم و اعلام تبرّی می‌کنم. من رویم را به سمت کسی که آسمان‌ها و زمین را آفرید برمی‌گردانم. خالص، فقط وجهه‌ی همّت‌م را او قرار می‌دهم و هیچ چیز را با او شریک قرار نمی‌دهم. این بیان قرآن کریم بود. در سیر و سلوک هم همین است. مشرق بیرون و مغرب درون است. هرچه به درون می‌رسد، افول و غروب می‌کند. حضرت ابراهیم علیه السلام تا وقتی از غار بیرون نیامده بود که خبری نبود؛ چون تولّد حضرت ابراهیم علیه السلام در آن غار مخفی بود. بعد که بیرون آمد، صحنه‌ی ستاره‌پرست‌ها، ماه‌پرست‌ها و خورشیدپرست‌ها را دید. سالک هم این طوری است تا در غار نفس خود می‌باشد و بیرون نیامده است، در تاریکی، ضلالت و گمراهی است؛ تا وقتی اسیر نفس خود است. وقتی کم‌کم از غار بیرون می‌آید، انواری در باطنش مشاهده می‌کند و نورهایی تجلّی می‌کند، که نورها عجیب و خارق‌العاده‌اند. غیر از نورهایی است که شما در بیرون می‌بینید؛ در درون دیده می‌شود؛ عقل از سر انسان می‌پرد. بعضی وقت‌ها این نور که در باطن دیده می‌شود به شکل ستاره است؛ بعضی وقت‌ها این نور که در باطن دیده می‌شود به شکل ماه است؛ بعضی وقت‌ها هم به شکل خورشید است. این نور که در درون درخشید، سالک گمان می‌کند که خدا را دیده است. جبرئیل باید بیاید و ابراهیم را از این اشتباه نجات دهد. جبرئیل عقل سالک می‌آید و او را از حالت تحیّر و محو به حالت هوشیاری و صحو برمی‌گرداند. از حالت مستی، سُکر و بیخودی به حالت هوشیاری و توجّه بر می‌گرداند. جبرئیل عقل این کار را برای سالک می‌کند و به او می‌فهماند که این نورها افول می‌کنند. چیز افول‌کننده خدا نیست. اینها مراتب تجلّیات نفس خودت بود. ستاره، ماه و خورشیدی که درونت درخشید، مراتب نفس خودت بود؛ اینها

<sup>۱۵</sup>. سوره‌ی انعام، آیه‌های ۷۸ و ۷۹.

ربّ تو نیست. اینها را در درون یکی یکی طی می کند تا از نفس و همه‌ی تجلیاتش به سمت خدا رو برمی گرداند، آن وقت خدا را می بیند «**إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ**» ماجرای که برای حضرت ابراهیم علیه السلام اتفاق افتاد، برای هر سالک در مسیر سیر و سلوک در باطن اتفاق می افتد و همه‌ی اینها در درون خودش است. هم ستاره، هم ماه و هم خورشید در درونش است؛ و هم وقتی از همه‌ی این افول کننده‌ها؛ یعنی اینهایی که رسید به نفسش و در درون نفسش غروب کرد، رو برگرداند؛ چون قرآن فرمود: «**إِنَّمَا تُوَلُّوْا** **فَنَمَّ وَجْهَ اللَّهِ**»<sup>۱۶</sup> هر جا روی خود را برگردانی، آنجا وجه خداست. رویت را از چه برگردانی؟ از نفس خودت. رویت را از خودبینی، خودخواهی و خودرأیی و هر چیزی که شعاع خود است، برگردانی، خدا را می بینی و وجه الله را ملاقات می کنی. وجه الله هم حجّت خداست.

🌸 اینکه در زیارت وارث شهادت می دهی که ائمه نوری در اصلاب شامخ و ارحام پاک بودند و آنها را جاهلیت با پلیدی هایش آلوده نساخته است، این شهادت را از کجا می دهی؟ مگر غیر این است که درون خودت نوری از آنها را پیدا کردی و دیدی که پاکند؟ (۱۸:۴۴)

وقتی شما می خواهید در دادگاه بگویید من شاهد هستم فلانی، فلانی را کشته است؛ نمی توانید بگویید من شنیده‌ام که ... . می گویند شنیدن شهادت نمی شود. باید خودت با چشم خودت دیده باشی. شهادت یعنی با چشم خودم می بینم و در نتیجه گواهی می دهم. «**أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَ الْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَ لَمْ تُلْبَسْكَ مِنَ الْمُدْلَهَمَاتِ ثِيَابِهَا**» شهادت می دهم که تو (امام) نوری در اصلاب شامخه، صلب‌های بسیار عالی مقام و در ارحام بسیار پاک، بودی و جاهلیت با نجاست‌های خود نتوانست تو را آلوده کند؛ نور امام را می بینی. «**لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَ لَمْ تُلْبَسْكَ مِنَ الْمُدْلَهَمَاتِ ثِيَابِهَا**» جاهلیت از لباس‌های آشفته‌ی خودش هم نتوانست بر تن تو ای نور حجّت خدا، بپوشاند. شهادتی که می دهی؛ شهادت فرع بر مشاهده است، پس باید این

<sup>۱۶</sup>. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۱۵.



را بینی. این را کجا دیدی که شهادت می‌دهی؟ در زیارت وارث و سایر زیارت‌ها که می‌خوانید؛ این عبارت خیلی تکرار شده است. شهادت را از کجا می‌دهی؟ مگر غیر این است که درون خودت نوری از آنها را پیدا کردی و دیدی که پاکند؟ یعنی نور حجت خدا را در درون خودت مشاهده کردی. پاکی و طهارت را دیدی، حالا شهادت می‌دهی. وقتی به شهود و به مشاهده رسیدی، حق داری شهادت بدهی. بگویی: «أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ»<sup>۱۷</sup> باید در درون خودت بگردی و پیدا کنی. گفت: «از خود بطلب، هر آنچه خواهی که تویی». فقط در درون خودت بگرد. بیرون خبری نیست. هرچه بیرون بگردی کمتر پیدا می‌کنی. البته بیرون گردی یک حُسن دارد، اینکه انسان خیلی که گشت؛ از بیرون مأیوس می‌شود. مأیوس که شد، شاید کمی سرش را به درون برگرداند. دائم در این کوچه، در آن کوچه، این طرف، آن طرف گشت، پیدا نکرد. آخر خسته شد، از خستگی در خانه یا اتاقش از پا درآمد، از نفس افتاد و نشست. دید ای داد بی‌داد، بغل دست خودش است. حُسن آن گشتن‌ها این است که انسان را از بیرون مأیوس می‌کند؛ چون اوّل امید دارد، بیرون دنبال آن می‌گردد. وقتی دنبالش گشت، گشت و پیدا نشد، مأیوس می‌شود «حَتَّى إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ»<sup>۱۸</sup> وقتی به یأس رسید، نصر خدا آشکار می‌شود. «أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ»<sup>۱۹</sup>

امیدواریم خدای متعال ما را به سیر در باطن خودمان موفق کند و آیات خودش را در باطن به ما نشان دهد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

<sup>۱۷</sup>. سیدبن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۵۹۰ و مجلسی، بحار، ج ۹۸، ص ۲۰۰ و کنعمی، مصباح، ص ۵۰۲.

<sup>۱۸</sup>. سوره‌ی یوسف، آیه‌ی ۱۱۰.

<sup>۱۹</sup>. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۱۴.